

اثرات اقدامات پهلوی اول بر سیر تحولات اجتماعی و تغییرات نظام بلدیة در استرآباد قدیم

احمد سردارزاده مجد^۱

امیر اکبری^۲

رجبعلی وثوقی مطلق^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳

چکیده

شناخت و آگاهی از تغییر و تحولات بوجود آمده در استرآباد قدیم (گرگان فعلی)، لازمه ی هرگونه برنامه ریزی برای تغییرات بوجود آمده است، چون تمامی جنبه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جوامع با جمعیت و ویژگی های ساختاری آن پیوند خورده است. در تحقیق پیش رو پس از بررسی اطلاعات به دست آمده از منابع شفاهی و تکمیل آن توسط دیگر منابع موجود، با روش توصیفی-تحلیلی به شناخت جامعی از اثرات اقدامات پهلوی اول می پردازیم. بر اساس نتایج این تحقیق، اثرات اقدامات پهلوی اول بر سیر تحولات اجتماعی و تغییرات نظام بلدیة در استرآباد قدیم از جمله شهرهای گرگان و بندرترکمن است. در اسناد و منابع مکتوب کمتر به ذهنیت مردم درباره رویدادهای پیرامونشان توجه شده است. از این رو، منابع شفاهی نقش مهمی در به نتیجه رسیدن این تحقیق دارند. بنابراین، یکی از اقدامات مهم در دوره پهلوی اول احداث خیابان در شهرهای کوچک و بزرگ ایران بود. احداث خیابان پهلوی در شهر گرگان سرآغازی بود بر بسیاری از تحولات کالبدی و اجتماعی آن؛ اتفاقاتی که مردم شهر در این خیابان برای اولین بار شاهدش بودند و حتی نیازهایی که خیابان به همراه خود به شهر آورد و خود پاسخگوی آنها شد و همینطور موثر بودن سیاست اسکان عشایر و حذف ترکمنها از لیست جامعه عشایری کشور، توسعه اجتماعی و... است.

کلیدواژه ها: پهلوی اول، بلدیة، گرگان، بندرترکمن، سیر تحولات اجتماعی.

^۱ دانشجوی دکتری، تاریخ ایران بعد از اسلام، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، بجنورد (Iman.roushenasan@gmail.com)

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول) (amirakbari84@yahoo.com)

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. ra.motlagh@yahoo.com

مقدمه

عشایر ایران، تا قبل از حکومت رضاشاه در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور حضوری فعال داشتند. آنها به دلیل برخورداری از اسب، تفنگ و آمادگی‌های نظامی، همواره مورد توجه طالبان قدرت سیاسی در کشور بودند و در به قدرت رساندن بسیاری از سلسله‌های حکومتی نقش اساسی را ایفا نموده‌اند که می‌توان به نقش ایلات قاجار، شاهسون و افشار در روی کار آمدن سلسله‌های قاجاریه، صفویان و افشاریه اشاره نمود. انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ ه. ش)، اولین ضربه سیاسی بر پیکره عشایر ایران بود و تا حدود زیادی آنها را از صحنه کشاکش‌های سیاسی بیرون راند. سیاست تخته قاپو کردن عشایر توسط رضاشاه (۱۳۱۰) و رواج زندگی ماشینی نیز از مهمترین عواملی بودند که جمعیت عشایری ایران را با کاهش جدی مواجه ساختند. با توجه به کاهش جمعیت عشایری ایران و به تبع آن، تداوم روند نزولی جایگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنان در جامعه، امروزه بحث در مورد اسکان عشایر در کشور ما با دیدگاه‌های متفاوتی در بین دست اندرکاران و محققین دنبال می‌شود. برخی افراد و دستگاه‌ها خواهان اسکان آنان و بعضی دیگر تداوم فعالیت عشایر را به سود کشور می‌دانند. اقدامات دهه‌های آغازین قرن حاضر (ه. ش) در جهت مدرنیزاسیون ایران بویژه اسکان عشایر و ایجاد شهرهای جدید که در قالب برنامه‌های دولتی، بدون جلب نظر مردم و به گونه‌ای آمرانه صورت پذیرفت بدون شک، تأثیرات انکار ناپذیری در اوضاع اقتصادی، اجتماعی جامعه ایرانی بویژه مناطق مرزی و عشایری کشور برجای گذاشته است. (آنامرادنژاد، ۱۳۸۹: ۳۹)

از آنجایی که منابع در تاریخ نوشته یکی از اصلی‌ترین گونه‌های نوشتاری میراث تاریخی ادوار گذشته بوده که با هدف تاریخ نگاری نوشته نشده‌اند. اما ارائه دهنده فهم خاصی از گذشته تاریخی اند و اغلب متصل با عصر واقعه نگاشته شده‌اند. با این حال نخستین شکل ثبت تاریخ در قالب اسناد صورت گرفته است، اما در دسترس نبودن اسناد و نداشتن آموزش روش شناسی تحقیق سند محور، توجه و اتکای متقن بر روایات گذشته دور بدون هیچ تردید عملی جدی، اتخاذ رویکرد از منابع دم دستی و موارد دیگر باعث شده تا دریافت و ارائه داده‌های درجه دوم در تاریخ نگاری، جایگزین کاربست محتوای اسناد و منابع تاریخی شود که این امر سبب محروم شدن مخاطبان از فضای درون متن سند می‌شود، در نتیجه گاهی ممکن است متن یک سند که ارائه دهنده یک روایت خاص است از سوی معاصران و متعاقبان آن‌ها قبض و بسط معنایی شود و سرنوشت یک جامعه و تاریخ را به

گونه دیگری رقم بزند. پرسش های از این قبیل که سیر تحول اجتماعی و تغییرات نظام بلدیة در پهلوی اول در استرآباد چگونه بوده است. در دوره پهلوی چه قدرت هایی بر ترکمن صحرا حکومت داشته اند و... چارچوبی برای بررسی تاریخ و تاریخ نگاری در ایران به شمار می روند. گرچه حوزه مطالعات تاریخی درباره ایران هر روز گسترش می یابد اما در حال حاضر، فرد پژوهشگر با کمبود منابع مهم با موضوع تاریخ اجتماعی و بلدیة روبه رو می باشد. دوره پهلوی اول از نظر تحولات اجتماعی و بلدیة از لحاظ شکل گیری و رشد و توسعه در این دوره تاریخی بسیار مهم محسوب می شود، زیرا مبارزات مردم و پویش های آنان برای برابری خواهی، حق تحصیل و حضور در صحنه های اجتماع که از دوره قاجار شروع و به مرور بیشتر شد، اهمیت ویژه ای دارد.

با وجود تکاپوها و سهم مهم مردم در تحولات اجتماعی و تغییرات بلدیة، امروزه اطلاع چندانی و در واقع جمع بندی شده ای از فعالیت های اجتماعی مرتبط با آن وجود ندارد. با اینکه پژوهش های چندی درباره تاریخ این منطقه تالیف شده است که البته، نسبت به سایر مناطق و یا موضوعات تاریخی نوشته شده، کمتر است، اما هنوز درباره این منطقه و تحولات این جامعه سخن زیادی گفته نشده است.

تاریخچه بلدیة

پس از استقرار مشروطیت در دوره اول مجلس، بتدریج افراد و موسساتی برای اداره و تنظیم امور شهری و ولایات معین شدند. مهمترین و جامع ترین اقدامی که درین زمینه صورت گرفت تصویب «کتابچه قانون» در ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ق. از سوی مجلس شورای ملی بود با تصویب این کتابچه که مشتمل بر ۱۰۸ ماده می شد زمینه قانونی مناسب و جامعی برای اجرای اصلاحات شهری و یا به تعبیر ماده اول آن، «برای حفظ منافع شهرها و ایفای حوایج اهالی شهرنشین و...» فراهم شد. (بیات، ۱۳۰۴-۱۳۰۰: ۱۱) و اداره بلدیة به ریاست، «دکتر خلیل الدوله تقفی» در عمارتی واقع در سبزه میدان تهران تاسیس شد. (خمسشی، ۱۳۱۵-۱۲۸۶: ۱۰۱) لیکن این تلاش نیز همانند بسیاری از دیگر تلاش هایی که در آن سالها برای اصلاحات اساسی در کشور مبذول شد به نتیجه شایسته ای نرسید چرا که مداخلات خارجی پی در پی و اغتشاش های داخلی مکرر فرصت و فراغتی برای اجرای این گونه اصلاحات برجای نگذاشت. (پاشالو، ۱۲۸۶: ۴۲-۲۸)

از این رو بلدیه بطور رسمی در زمان احمدشاه قاجار فعالیت خود را آغاز کرد و با سی عضو شامل: بیست و پنج رفتگر (سپور) چهار نفر سرسپور و یک رئیس، نظافت شهر را به عهده گرفت. تا قبل از آن نظافت شهر به عهده خود سکنه بود که هر کس جلوی خانه و دکان خود را بنا به سنت آبا و جدایش تمیز نماید. (شهری، ۱۳۶۹: ۳۸)

به مرور زمان و در سال ۱۳۰۴ ش. تشکیلات بلدیه شکل کاملتری به خود گرفت و سه اداره: ساختمان مهندسی و نظیف، ارزاق و امور خیریه با دوایر و شعب مربوط به خود ضمیمه سه اداره اصلی: مرکزی، صحنه و معاونت و محاسبات شدند و نواحی تحت پوشش بلدیه (شامل: ۴ ناحیه و زاویه مقدسه و شمیران) نیز صورت کاملتری به خود گرفتند. (خمشی، ۱۳۱۵-۱۲۸۶: ۱۰۲) و در همین سال بود که بلدیه برای اولین بار چند خیابان تهران را با چراغ الکتریکی روشن ساخت. خیابانهایی که مطابق اسلوب جدید سیم کشی و روشن شدند عبارتند از: ناصریه- علاءالدوله- باب همایون- چراغ گاز- اسلامبول و چند خیابان دیگر. (عاقلی، ۱۳۶۹: ۱۰۷)

بدنبال آتش سوزی در مجلی شورای ملی (هجده مهرماه ۱۳۱۰ ش.) بلدیه تهران وارد عمل می شود و برای اطفاء حریق اتومبیل های اطفائی و ماموران آن اداره و کارکنان دایره احتساییه بلدیه و عدهای از اژانهای ناحیه دولت و ... به تلاش افتادند. اتاق بزرگ تنفس و سرسرای پارلمان و اتاق آیینیه به کلی سوخت. خسارات وارده حدود ۵۰۵۱۱ تومان برآورد گردید سرتیپ کریم خان رئیس بلدیه، در تمام مدت اطفاء حریق نظارت داشت. (عاقلی، ۱۳۶۹: ۱۸۵) وی در پانزدهم شهریور سال بعد (۱۳۱۱ ش.) هتل بلدیه تهران را با حضور وزرا و رجال سیاسی افتتاح کرد و در سال ۱۳۱۲ ش. (بیست و پنج دی ماه) سرهنگ فضل اله بهرامی به کفالت بلدیه تهران منصوب شد و کریم آقاخان برای معالجه به اروپا رفت. (همان: ۱۹۷) با توسعه و پیشرفت شهر در سال ۱۳۱۳ ش. عملیات توسعه و احداث معابر- خیابان سازی و ساختمان بلدیه تهران از آغاز فروردین مال الی اواخر آبانماه شامل موارد زیر می شد:

الف- توسعه و احداث معابر: ۱- توسعه چندین کوچه در امتداد خیابان علاءالدوله ۲- سنگ فرش شوسه. ۳- آسفالت ریزی شوسه. ۴- پیاده رو سازی ۵- شن ریزی و تسطیح معابر.

ب- ساختمان سازی در شهر و شمیران: ۱- درین سال ساختمان تئاتر را شروع نموده که مساحت زیربنای آن بالغ بر ۳۵۰۰ متر و گنجایش ۱۲۰۰ نفر تماشاچی را داشت. نمای این ساختمان از سنگ

مرمر با سنگ کامل جدیدی ساخته می شد ۲- بطور متفرقه: ساختمان یک دستگاه گل خانه در ۱۶ دستگاه ۳- ساختمان آتش یاری درخارج شهر ۴- ساختمان چند باب مستراح مردانه و زنانه در باغ ملی. ۵- محصور نمودن قبرستان خارج دروازه حضرت عبدالعظیم و ...

ج- احداث میادین و باغچه ها شامل: ۱- ساختمان پل تجریش. ۲- احداث میدان دروازه یوسف آباد به شکل مربع مستطیل به عرض ۷۲ گز و طول ۱۸۳ گز که در وسط آن باغچه بندی شده بود. ۳- احداث میدان دروازه دولت به شکل مربع مستطیل به عرض ۷۰ و طول ۱۷۰ گز که در وسط آن باغچه بندی شده است. (سالنامه پارس، ۱۳۱۴)

توسعه و گسترش شهر باعث می شد که بلدیة نیز حوزه فعالیت و انجام وظایف خود را بیشتر نماید بطوری که به مرور و در سال ۱۳۱۵ تعداد نواحی و بخشهای بلدیة (شهرداری) به هشت بخش رسید بعلاوه در شهرری و شمیران هم در بخش عهده دار وظایف شهرداری شدند در سال ۱۳۱۹ برای آنکه بخشهای مذکور تا حدی استقلال و آزادی عمل داشته باشند به چهار برزن کامل تبدیل گردیدند که هر یک وظیفه شهرداری را انجام می دادند. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۲۸۷۸)

اقدامات بلدیة در مازندران

در زمان مظفرالدین شاه برای نخستین بار تشکیلاتی به نام «بلدیة» تاسیس گردید و در حقیقت همان «سازمان احتسابیة» بود. (محبوبی اردکانی، ۲۵۳۷ شاهنشاهی (۱۳۷۰): ۳۴) پس از استقرار مشروطیت در دوره اول مجلس شورای ملی، اقداماتی در این باره صورت گرفت که در نتیجه، «کتابچه قانون بلدیة» در سال ۱۲۸۶ ش، مشتمل بر ۱۰۸ ماده تنظیم شد که زمینه قانونی مناسب برای اجرای اصلاحات شهری و نیز تاسیس اداره بلدیة را فراهم کرد. (عبادی، ۱۳۸۷: ۲۵) اما این تلاش نیز همانند بسیاری از دیگر تلاش هایی که در آن سال ها برای اصلاحات اساسی در کشور مبذول شد، به نتیجه ای شایسته نرسید، چرا که مداخلات خارجی پی در پی و اغتشاش های داخلی مکرر فرصت و فراغتی برای اجرای اینگونه اصلاحات برجای نگذاشت. با روی کار آمدن رضاشاه، تمرکزگرایی دولت و گسترش حوزه اقتدار آن، با علاقه بیشتری دنبال شد و از همین رو، دولت در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۹، قانون جدیدی برای تشکیلات بلدیة تصویب کرد و نظام نامه ی انجمن های بلدی، به طوری تدوین شد که دست دولت در نحوه اداره ی آن باز بود؛ چنانکه نحوه ی انتخاب اعضای انجمن بلدیة به صورت دو مرحله ای بود؛ در مرحله اول، مردم تعدادی را به عنوان اعضای

انجمن بلدیة انتخاب می کردند در مرحله دوم، ریاست بلدیة را نیز وزارت داخله تعیین می کرد. (معتمدی، ۱۳۸۵: ۵۹۳)

یکی از اقدامات حکومت پهلوی اول، سازماندهی وضعیت بلدیة ها (حبیبی، ۱۳۸۴: ۲۱۲) و برقراری آن در شهرهای مازندران بود که در پی ایجاد شبکه حمل و نقل و خطوط ارتباطی، تاسیس کارخانه ها و برقراری تاسیسات جدیدی همچون هتل ها و کازینوها در برخی شهرها، همراه با جذب جمعیت افتتاح شد، اما تاسیس شتابان آن در همه شهرهای مازندران، همانند عملکرد حکومت در برخی از زمینه های نوسازی، با شتاب پیگیری نشد. گزارش ها حاکی از آن است که با گذاشت سه سال از آغاز حکومت پهلوی، بسیاری از شهرهای استان، همچنان از داشتن بلدیة محروم بودند. همراه با شکایت مکرر اهالی شهرهای مختلف، برقراری بلدیة ها در دستور کار قرار گرفت و به تدریج در شهرهای مختلف آمل، بارفروش، سای، اشرف (یوشیج، ۱۳۷۹: ۱۳۶)، شاهی، فیروزکوه، رامسر و بابلسر افتتاح شدند. (اطلاعات، ش ۲۳۷۶: ۳) در ۲۷ فروردین سال ۱۳۰۸، محمدرضا پهلوی ولیعهد شاه، در سفری که به بارفروش داشت در حضور روسای ادارات دولتی و تجار این شهر، سنگ بنای تاسیس بلدیة را در شهر نصب کرد. (عطاری کرمانی، ۱۳۸۶: ۶۲۱) مهندس ساختمان بلدیة بارفروش، سرداراف مهندس روسی بود. کار ساختمان بلدیة در بارفروش در دهه ۱۳۱۰ ش به پایان رسید. درخواست برای تاسیس بلدیة در این شهر به سال ۱۳۰۴ ش بر می گشت که حاکم مازندران در صدد تاسیس آن در بارفروش برآمده بود. (شفق سرخ، ش ۴۳۵: ۲)

شهرگران در دوره معاصر (۱۳۰۰ هجری شمسی، از ابتدای دولت پهلوی تا کنون) دوران پهلوی اول

در اوایل قرن حاضر (۱۳۰۰) مبارزه سراسری با پشه مالاریا در گیلان، مازندران و استرآباد آغاز شد. در راستای این حرکت کوبیدن قسمت هایی از بارو و حصار قدیمی استرآباد و پر کردن خندق بیماری زاید و باروی شهر در دستور کار قرار گرفت. تا این تاریخ هنوز شهر شکل قلعه ای داشت و ویرانه های برج و بارو دروازه های قدیمی پابرجا بود. شهر تا این دوره در داخل برج و باروی خود رشد کرد.

بر روی باروی قسمت شرق هنوز ویرانه های قلعه محمدحسن خان باقی بود که آن راهمان قلعه که نه فعلی دانسته اند. یک ضلع باروی شهر از دروازه مازندران (قلعه مازندران فعلی) شروع و به دروازه چهل

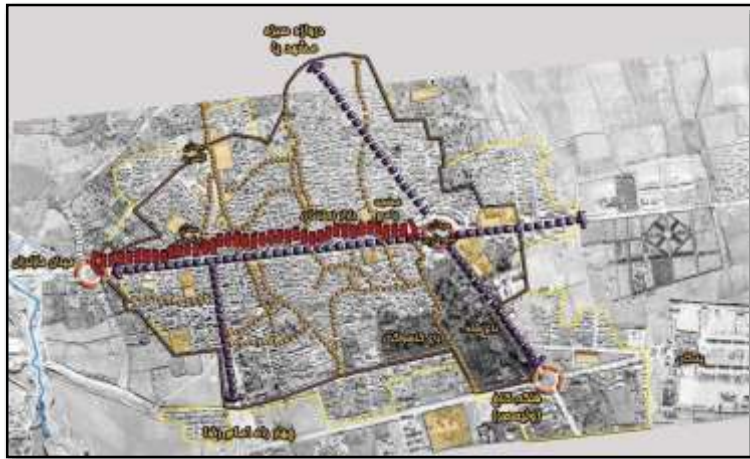
^۱ - تصویب قانون بلدیة و تغییر نام بلدیة به شهرداری در سال ۱۳۰۹ صورت گرفت.

دختران (فلکه امام رضای فعلی) می‌رسید. ضلع دوم آن ازدروازه چهل دختران شروع وبه دروازه بسطام (فلکه کاخ فعلی) وصل می‌شد.

اواخر دوره قاجار و دوره پهلوی اول مصادف با ورود عناصر دنیای مدرن به شهرهای ایران است. اولین این عناصر خیابان‌های چلی پایی وعمود بر هم است. این خیابان‌ها با ساخته شدن بر روی بافت قدیم و تاریخی شهر ویا برج وباروی آن، زمینه‌ساز حضور عناصردیگری چون ساختمان شهربانی وشهرداری، مریض خانه، سینماو ... درمجاورت خود می‌شوند. این عناصر در دوره پهلوی اول و دوم درشهرگران به شرح زیر در تذکره ها و اسناد تاریخی نامبرده شده‌اند:

خیابان ها: اولین خیابان اصلی شهر، خیابان میدان عباسعلی به فلکه مرکزی (میدان شهرداری فعلی) که درحال حاضرخیابان امام خمینی نام دارد، با تخریب خانه‌های مسیر در سال ۱۳۱۱ شمسی آغاز یافت. این خیابان اوایل سنگفرش بود.

سپس خیابان سرپیر (شهدای فعلی) و بعد از آن خیابان مولنروژ (۵ آذرفعلی) و درنهایت خیابان سرخواجه را ازسال ۱۳۱۸ ه. ش شروع به ساختن نمودند. خیابان شالیکوبی (ولیعصرفعلی) نیز در سال ۱۳۱۵ ه.ش احداث گردید(سازمان نقشه برداری، عکس هوایی).

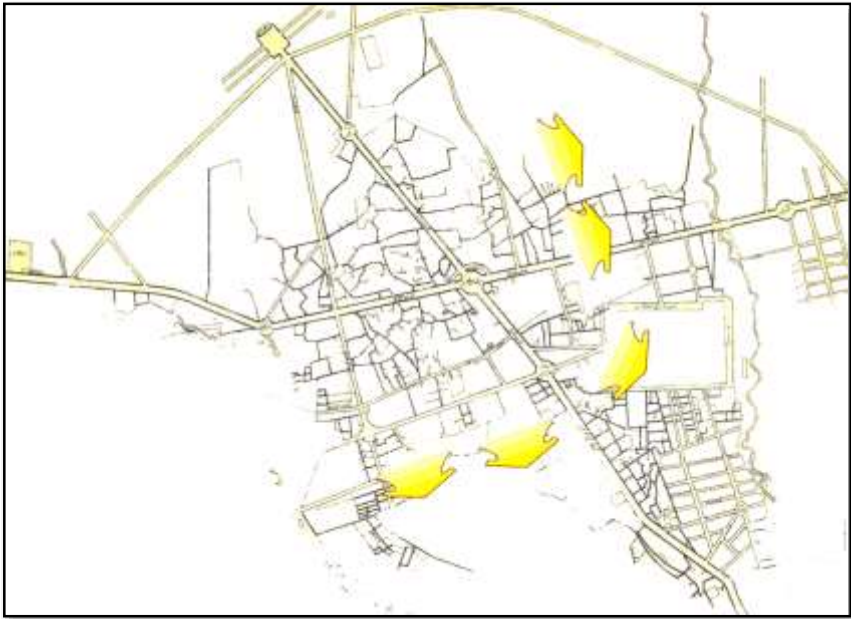


(نقشه شماره ۱) بافت شهردارنتهای دوره پهلوی اول

منبع: سازمان نقشه برداری کشور، عکس هوایی سال ۱۳۳۵

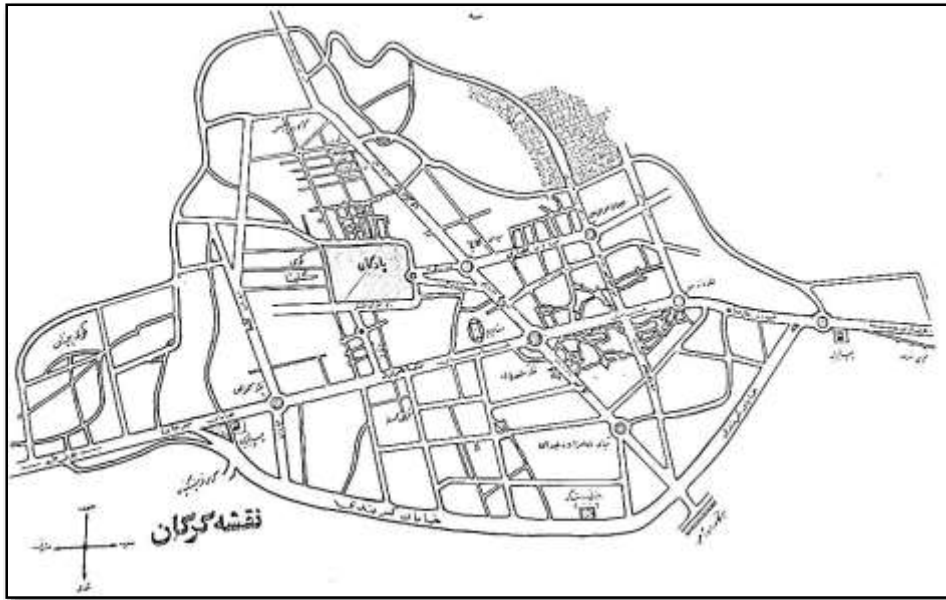
گرگان در اواخر دوره پهلوی و پس از انقلاب اسلامی

در دوره‌های حاضر، شهر به طرف جنوب و شرق رشد می‌کند. رشد آتی شهر مجدداً در قسمت شرق و جنوب شرقی است، اما در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به دلیل تحولات عمیقی که در رشد جمعیت و هجوم آن به سمت نقاط شهری در کل کشور به وقوع می‌پیوندد، بسیاری شهرها با رشدی ناگهانی روبه رومی‌شوند؛ شهرگرگان نیز از این تحولات بی‌بهره نبوده و رشد اصلی شهر که یکباره محدوده‌های قبلی ورشد کند دوران گذشته را پشت سر می‌گذارد، در همین سال‌ها صورت می‌پذیرد.



(نقشه شماره ۲) توسعه شهرتاسال ۱۳۵۳

منبع: آرشیو شهرداری گرگان - معاونت شهرسازی و معماری.



نقشه شماره ۳) شهر گرگان - سال ۱۳۶۵

منبع: آرشیو شهرداری گرگان - معاونت شهرسازی و معماری.

ترکمن ها در دوره پهلوی

در جریان مشروطه ترکمن نیز مانند سایر قسمت‌های ایران دو فرقه شدند. گروهی از طرفداران مشروطیت حمایت می‌کردند و گروهی دیگر در صدد سرکوب آن برآمدند. مطلب زیر گزارشی است که وضع ترکمنها را در قبال مشروطه نشان می‌دهد. «در این دوران در استرآباد در اثر سخنرانی در مساجد و منابر بر علیه مستبدین برخی اهالی به هیجان آمده قصد ریختن به دیوانخانه را داشتند حاکم استرآباد مضطرب شده کارگزار و لشکر نویسن را نزد محمدحسین استرآبادی مقصودلو رئیس انجمن مشروطه طلبان فرستاد. رحیم خان مقصودلو یکی دیگر از رهبران مشروطه طلب استرآباد هم ۱۵۰ ترکمان یلقی و آتابای (طوایف ترکمن) را برای کمک به مشروطه طلبان فرستاد». (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۸۳) عقمان آخوند از طایفه جعفربای (بنا به عللی) توسط جمعیتی از ترکمن ها، ترد می‌شود. مشارالیه به ضدیت آنها عبدالله نام ترکمان را محرمانه به شهر (گرگان) فرستاده خدمت حاج شیخ حسین، با طایف خود مشروطه می‌باشم آنچه دستور العمل بدهید، اطاعت داریم. (همان: ۱۴۰)

محمدعلی شاه قاجار پس از برکناری از سلطنت در صدد گرفتن دوبار قدرت بر آمد وی از خاک روسیه در سال ۱۳۲۹ هـ.ق به همراه کشتی که پر از صندوق های بزرگ بار با برچسب آب معدنی که در واقع مملو از مهمات بود وارد گمش تپه نزدیک استرآباد شد. (قهرمان میرزا، ۱۳۷۹: ۲۴۱۹) تا ترکمن های منطقه را برای حمله به تهران بسیج کند. جریان آمدن محمدعلی شاه به گمش تپه و خواجه نفس را مرحوم سید رضاعرفانی شاعر و ادیب گرگانی به نظم در آورده و چند بیتی از آن چنین است.

ندارم چاره جز داستان	ز کردار شاهنشاه راستان
محمدعلی خسروچم جزم	سکندر وقار و سلیمان حشم
چه در عزم موروثی جدوباب	نمودی زر و سیه پا در رکاب
برون آمد از آب و بگداشت پای	به خواجه نفس منزل شوخ بای
بفرمود تا سران یموت	به فرمان حی الذی لایموت
بگیرند سرباز چابک سوار	گروهی پیاده گروهی سوار (رئییسی گرگانی، ۱۳۸۷: ۶)

هنگام حمله محمدعلی شاه به تهران وزراء طهران از همراهی روس ها با شاه ترسیدند و مقاصد روس ها را در بعضی تکالیف شان آنها به ایران را قبول کردند و اولتیماتوم روس با ایران بسته شد به شرطی که روسها محمدعلی شاه را از آمدن به ایران مانع شوند لذا قنصل روس در استرآباد نزد محمدعلی شاه آمد (بعد از شکست او در حمله به تهران) مجبورا او را سوار کشتی کرده و به بادکوبه بردند. (افاضلی، ۱۳۷۳: ۲۷) در مخابرات استرآباد سند شماره ۱۰ چنین آمده است. «به عرض رفته بود که تفنگهای تصرفی و خریداری محمدعلی میرزا در قونسلخانه توقیف است. تصرف تفنگهای مزبور سابقه حمل به آشوراده شده بود و مابقی در قونسلخانه بوده تماما را با عرابه از راه قراسو به روسیه فرستادند». (مقصودلو، ۱۳۶۳: ۴۴۴)

به هر حال همانگونه که در سراسر ایران مخالفین مشروطه نیروهای ایلاتی را علیه طرفداران مشروطه بسیج می کرد. در استرآباد نیز بخشی از ترکمانان با تحریک روس ها و مستبدین دربار خانهای شرق استرآباد نقش موثری داشتند: (همان: ۱۲۰) در این میان اهالی گمش تپه چون عموما کاسبی تجارتخانه دارند مایل به امنیت و آزادی خواه می باشند.

رضاخان در جریان جمهوری خواهی خود ترکمن ها را وا داشت تا به تلگرافخانه استرآباد بیایند و دولت را تهدید کنند. سند (نمره) ۱۹۲۴/۱۵ چنین آمده است «تلگرافی حضرات تراکمه طایفه جعفربای به تهران نموده اند که ماها جمهوریت می خواهیم و از این کار هم دست بردار نبوده و نیستیم و اگر چنانچه حضرت اشرف آقا سردار سپه هم بخواهد ریاست جمهوری را قبول نمایند حتما به ایشان داده شود... در غیر این صورت تهدید به ناامنی می کنند.» (همان: ۹۰۷)

رضاشاه بعد از تاج گذاری در صدد خلع سلاح ترکمنها و تثبیت قدرت حکومت مرکزی در دشت ترکم صحرا بر آمد و ترکمنان با اتحاد طوایف تصمیم به ایستادگی گرفتند و در صورت پیروزی جمهوری مستقل ترکمان را تاسیس نمایند حتی یک مدرسه نظامی برای کسب فنون جنگی را تشکیل دادند و از افسران ترک دعوت به تدریس در آن را نمودند. ولی در نهایی قدرت برتر قشون رضاشاه که از چهار ستون عملیات خود را شروع کرده بودند و دو دستگی بین ترکمنها، باعث تثبیت حکومت پهلوی در دشت صحرا گردید. (معطوفی، ۱۳۸۸: ۲۲۳)

اقدامات بلدیه در گرگان و بندر ترکمن

با شروع به کار سازمان بلدیه، از همان آغاز مشخص گردید که این سازمان با مسئولیت های وسیعی مواجه است. براساس موارد استخراج شده از اسناد، مطبوعات و خاطرات رجال، دسته بندی زیر انجام شده است:

اقدامات عمرانی

هم زمان با قلع و قمع اشرار و بالا رفتن امنیت شهرها، دروازه های شهری فرو ریخت، خندق ها پر شد، ورود اتومبیل موجب تاسیس خیابان های جدید گردید و سازمان بلدیه با تدوین قوانین جدید چهره شهرها را زیباتر و با شکوه تر ساخت. مهمترین این اقدامات عبارتند از: تهیه نقشه برای هر شهر؛ (اطلاعات، ۱۳۱۷: ۴)، موظف شدن مالکین به پیاده رو سازی، (قهرمان میرزا سالور، ۱۳۷۹)، تسطیح، آسفالت، نهرسازی، گل و درخت کاری شدن خیابان ها (ایران، ۱۳۰۲: ۱)، توسعه خیابان و کوچه ها؛ تدوین قانون ممنوعیت ساخت خانه های یک طبقه در کنار خیابان های مهم (اطلاعات، ۱۳۱۷: ۲؛ اخگر، ۱۳۱۴)؛ تدوین قانون ترمیم خانه های نیمه ساز کنار خیابان (اطلاعات، ۱۳۱۸)، پلاک دار شدن خانه ها (اطلاعات، ۱۳۱۸)؛ رنگ کردن دیوارهای شهر (قهرمان میرزا سالور، ج ۱۰:

۷۶۵۲): برق کشی خیابان ها و کوچه ها و سپس نصب چراغ راهنمایی و رانندگی بر سر تمام چهار راه ها (اطلاعات، ۱۳۱۸: ۲)، نصب ساعت های بزرگ در میادین شهرها (صحت، ۱۳۰۵: ۲۷)؛ ساخت آگو و فاضلاب شهری (اطلاعات، ۱۳۱۷: ۴)؛ ساخت مستراح های عمومی در سطح شهر (ایران، ۱۳۱۷: ۴)، پل سازی، سد سازی و بازسازی پل های قدیمی؛ نصب تابلو اعلانات (اطلاعات، ۱۳۱۳: ۳) ایجاد کیوسک های روزنامه فروشی (شش سال در دربار پهلوی، ۱۴۸۵: ۴-۱۲۳)؛ نصب تلفن عمومی؛ تاسیس آتش نشانی و اداره اطفائیه، ارائه خدمات حمل و نقل شهری؛ تاسیس سیستم اتوبوس شهری و چاپ بلیط (اطلاعات، ۱۳۱۱: ۲) و تنظیم قوانینی برای ضوابط اخلاقی رانندگان (اسنادی از انجمن های بلدیة، تجار و اصناف، ۱۳۸۰: ۲۴۶) و ..

اقدامات فرهنگی

به دنبال تغییرات فرهنگی که در جامعه اتفاق افتاد، سازمان بلدیة با ارگان هایی همچون فرهنگستان ایران همراه گردید و منشا تغییراتی از این دست شد: تغییر نام تابلو مغازه ها؛ مزین شدن اسامی کوچه ها به نام فضلا و علما، و بلدیة از مردم خواست کسی متقاضی نصب کاشی به نام خود نشود (طوفان هفتگی، ۱۳۰۷: ۸)؛ تغییر نام خیابان ها از اسامی قاجاری به کلماتی همچون «سپه، رضا، پهلوی، شاه و شاه پور»، تغییر نام معابر شهری، مانند تغییر «پس کوچه به بن بست» و یا تبدیل «بند به دربند» (اطلاعات، ۱۳۰۸: ۲)، حفاظت از ابنیه تاریخی شهرها؛ اجباری شدن تعرفه تحصیلی برای اصناف، جهت مقابله با بیسوادی (اخگر، ۱۳۱۷)، حمایت از صنایع دستی؛ ساخت تفرج گاه و باغ ملی؛ تاسیس نمایش خانه (اطلاعات، ۱۳۰۶: ۱) تاسیس موزه (اخگر، ۱۳۰۹)، تاسیس کتابخانه تاسیس مدارس فنی؛ اعزام محصل به خارج از کشور (اطلاعات، ۱۳۱۵: ۴) و ...

اقدامات اجتماعی

تردیدی نیست که مسأله تبدیل لباس های سنتی و بومی مردم به لباسهای متأثر از فرهنگ غربی از مهم ترین و پرچالش ترین رفتارهای سیاسی و اجتماعی دولت پهلوی اول به شمار می آید، جامه و پوشاک به عنوان عنصر مهمی از شاکله فرهنگی و میزات ملی و قومی و مذهبی از دیرباز نزد جوامع مختلف بشری مطرح بوده است. نخستین پدیده ای که نظر یک مسافر بیگانه را جلب می نمود، طرز لباس پوشیدن، نوع جامه و زیورآلات مردم آن جامعه بوده است. ادیان مختلف در باب شکل و شیوه پوشش مومنان خود چه مرد و چه زن نیز دستورالعمل های فراوان صادر کرده اند از

آن جمله می توان به رعایت حجاب نزد زنان مسلمان و یا به سرکردن عمامه نزد سیکها اشاره نمود. از سوی دیگر، پوشش مردان مختلف جدا از نیاز به ستر عورت و مقاومت در برابر گرما و سرما منبعث از شرایط اقلیمی و جغرافیایی جوامع، از قبیل سردسیر یا گرمسیر بودن، کوهستانی یا یابی بودن منطقه و سطح ارتفاع آن از سطح دریا بوده است. طبیعی است لباس مردمی که به شغل دامداری می پرداختند، با مردمانی که شیوه معیشتی غالب ایشان کشاورزی بوده متفاوت و متمایز باشد. جدای از این موارد حس زیبایی شناسی هر قوم و جماعتی در طرز لباس پوشیدن و آرایش ایشان دخیل بوده است، از این رو پوشاک را می بایست رکن مهمی از هویت ملی و قومی یک مردم دانست. عموماً مردم جوامع سنتی در حفظ و پاسداشت میراث قومی خود در باب البسه اهتمام بسیاری داشتند، و از پوشیدن لباس ملل و اقوام دیگر خودداری می کردند، تغییر پوشاک و ملبس شدن به گونه جوامع و ملل دیگر پذیرش استیلای فرهنگی ایشان بر جماعت محسوب می شد. معمولاً این گونه نوآوری ها و یا ملبس شدن به لباس مردمان دیگر در مواقعی رخ می داد که سرزمینی از سوی ملتی دیگر اشتغال می شود و ملت و قوم مغلوب جهت نزدیکتر شدن فرهنگی به قوم فاتح و پر کردن فاصله اجتماعی میان خود و او پوشاک وزینت های ایشان را می پذیرفت، البته در اغلب موارد حفظ سنتهای بومی جامعه از آنجمله پوشش قومی و ملی، نمادی از مقاومت قوم یا ملت مغلوب در برابر قوم پیروز به شمار می رفت، از این رو اهتمام این گونه ملت‌های شکست خورده در حفظ پوشاک بومی خود راسخ تر و فراگیرتر بود. از همین روست که روایات و احادیث اسلامی منقول از حضرت رسول(ص) تاکید دارند که فرد مسلمان نباید به شیوه کفار و غیر مسلمان جامه در بر کند)، پس از قدرت گیری رضاشاه در ایران و به سلطنت رسیدن او برنامه های متعددی جهت متجدد کردن و غربی سازی جامعه ایرانی صورت گرفت از آن جمله تاسیس مدارس جدید به شیوه اروپایی و نیز دانشکده ها و دانشگاه ها، کارخانجات مدرن، شکل گیری نظام قضایی نوین و متاثر از مغرب زمین را می توان ذکر کرد، از سوی دیگر حکومت رضاشاه در جهت تحکیم وحدت ملی کشور و تقویت و استحکام هرچه بیشتر قدرت مرکزی و تضعیف جریان های گریز از مرکز کوششهای فراوانی داشت، تاسیس ارتش ملی قدرتمند و نوین و نیز دستگاه پلیس تسلط بر مجلس شورای ملی در جهت تحکیم اقتدار دولت، شکل گیری نظام اداری مدرن و تقسیمات کشوری جدید، خلع سلاح عشایر و تمشیت امور ایشان و سرکوب سران شورشگر آنها را می توان از مهمترین این اقدامات در جهت تقویت وحدت ملی کشور دانست، در واقع رضاشاه در پی تاسیس الگوی جامعه ای براساس دولت - ملت بود. تصمیم به

یکسان سازی لباس مردان ایرانی و ملبس کردن ایشان به لباس های غربی را می بایست در چارچوب این دو موضوع یعنی تحکیم وحدت ملی و مدرن سازی جامعه تبیین و دریافت نمود. (خسروی حامد، ۱۳۹۳: ۴-۲)

بنابراین، شهرداری در انتظام امور شهر، با مسایل اجتماعی نیز روبرو شد و اقداماتی انجام داد، همچون: رسمی شدن تعطیلی روز جمعه: از زمان سید ضیالالدین روز جمعه برای تعطیلی مسلمانان اعلام شد (بازرگان، ۱۳۷۵: ۹۱) اما چون رسمی و قانونی نشده بود، بخشنامه صادره از وزارت کشور در ۴ ماده روز تعطیلی را رسماً «جمعه» اعلام کرد به استثناء «نانوایی، گوشت فروشی، خواربارفروشی، رستوران ها، گرمابه ها و گاراژها» (اطلاعات، ۱۳۱۹: ۸)، ممانعت از تولید صدای ناهنجاری در شهر (اطلاعات، ۱۳۱۰)؛ ممانعت از کیوتربازی (اطلاعات، ۱۳۲۰)؛ جمع آوری و اسکان فقرا (ایران، ۱۳۰۲: ۲)؛ حمایت از ورزش با احداث ورزشگاه (اخگر، ۱۳۱۲)؛ کمک در امر سربازگیری (اطلاعات، ۱۳۰۸)؛ ایجاد مکان مناسب برای مراسم جشن (معارف، س ۱۳۱۴: ۱۹) و ...

اقدامات بهداشتی

از سال ۱۹۲۶ کلیه موسسات صحتی مملکتی در «اداره کل صحت» زیر نظر وزارت داخله متمرکز شد (ایرتم، ۱۳۰۴: ۲۹) مهمترین اقدامات بلدییه در این خصوص عبارتند از: ایجاد پست های امدادی (ایران باستان، ۱۳۰۴: ۲) و ارایه خدمات مجانی (اطلاعات، ۱۳۲۰: ۱)؛ واکسیناسیون مجانی (ایران، ۱۳۰۴: ۲)؛ تبدیل حمام های خزینه به دوش، (اطلاعات، ۱۳۱۶)؛ صدور پروانه کار رسمی برای اطبا (اطلاعات، ۱۳۱۷: ۸)؛ کنترل صحت فواحش (اخگر، ۱۳۱۷)؛ مقابله با استعمال تریاک در قهوه خانه ها (ایران، ۱۳۰۴: ۲)؛ خشکاندن باتلاق های نزدیک شهر، برای مقابله با بیماریها (اطلاعات، ۱۳۱۹: ۱)؛ جلوگیری از تردد روزانه کودکان با (اخگر، ۱۳۰۴: ۳)؛ ایجاد مستراح های عمومی (ایران، ۱۳۰۲: ۲)؛

ممنوعیت حمل حیوان خانگی در معابر عمومی (ایران باستان، ۱۳۱۳: ۸)؛ تاسیس رختشویخانه، غسل خانه، مسلخ خانه، شیر خوارگاه، بیمارستان و تیمارستان (اطلاعات، ۱۳۱۶: ۴)، منع فروش مواد غذایی توسط دوره گردان، تاسیس آزمایشگاه برای آزمایش بهداشتی بودن مواد غذایی (اطلاعات، ۱۳۱۷: ۱۲)، تعبیه صندوق های زباله (اطلاعات، ۱۳۱۱: ۵) توجه به بهداشت آب آشامیدنی (موسسه پژوهش و مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره بازیابی ۰-۳۳-۳۰۳۶-۱۱۴ الف) و ...

اقدامات اقتصادی

بلدی به سبب هزینه های فراوانی که داشت، ناگزیر از دخالت در مسایل اقتصادی بود که اهم آن به این ترتیب است: تعیین قیمت اجناس و جلوگیری از احتکار و گران فروشی (اطلاعات، ۱۳۱۶)، اجباری شدن نصب اتیکت (اطلاعات، ۱۳۰۴: ۲) و ... تعیین میزان دستمزد برای مشاغل مختلف (ناهدی، ۱۳۰۷: ۱۰). اصلاح اوزان (اخگر، ۱۳۱۸) تاسیس رستوران و مهمان خانه برای پذیرایی از مهمان خارجی (اطلاعات، ۱۳۱۱: ۱)؛ ساخت دکان در خیابان های جدید، تاسیس نمایشگاه برای عرضه و تبلیغ کالاهای وطنی (ایران، ۱۳۰۴: ۲)، تعیین میداین برای عرضه مستقیم کالاها (موسسه پژوهش و مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره بازیابی ۰-۸-۶-۲۵۶-الف)؛ رسیدگی به وضعیت نان و گوشت مردم که در فصول مختلف کمیاب می شد. (ایران، ۱۳۰۴: ۴) و ..

روند معماری و شهرسازی عصر پهلوی اول در گرگان و بندر ترکمن

در تبادل مفاهیم درونی (سنت) و معانی بیرونی (مدرنیته)، در تقابل بین کهنه و نو، در تلاطم سنت منسوخ و سنت مرسوم، در جدال بین شکل و محتوا در دوره پهلوی اول، چهار الگو و محاوره فضایی به کار گرفته شده است. (حبیبی، ۱۳۸۳: ۱۶۹ و ۱۷۰)

اول: معماری مبتنی بر تلفیقی از عناصر بومی و بیگانه در تداوم تحولات صورت گرفته در اواخر دوره قاجار. دوم: معماری مبتنی بر یادآوری شکوه و جلال گذشته های دور و براساس نگرش باستان گرایی. سوم: معماری مبتنی بر سبک بین المللی، متأثر از جنبش معماری نو در اروپا. این معماری به عنوان سبک مسلط در این دوره موفق می شود که مهر و نشان خود را بر چهره بسیاری از خیابان های جدیدالاحداث بزند. چهارم: معماری مبتنی بر سبک کلاسیک اروپا. این معماری عمدتاً در آرایش میداین جدیدالاحداث، چهارراه ها و تقاطع خیابان ها با میداین به کار گرفته می شود.

تولید و بازتولید فضاهای جدید شهری و زبان طراحی آنها در دوره پهلوی اولیه به طور عمده از دو جریان عمده نشات می گیرد. جریان اول در قالب مدرنیته ای است که در زمینه های مختلف بر زندگی جامعه ایرانی سایه می افکند و جریان دوم روندهایی است که در شکل دهی کالبد فضاهای معماری در قالب چهار الگوی عمده قابل مشاهده است. این جریان ها به عنوان عوامل زمینه ای تاثیرگذار در زبان طراحی شهری مطرح هستند. وقتی صحبت از تاثیر عوامل زمینه ای در شکل دهی

به فضای شهری است لازم است ابتدا ابعاد فضای شهری تبیین شود و سپس تاثیر عوامل زمینه ای در هر یک از این ابعاد بسط پیدا کند. در ارتباط با ابعاد طراحی شهری مدل هایی از زمان شکل گیری این حرفه و دانش بسط و توسعه پیدا کرده اند؛ مدل حس مکان پاتنر، مدل مکان کانتر، مدل حس مکان مونتگومری و ماتین؛ از میان مدل های ارائه شده مدل متیو کرمونا ابعاد جامع تر و کامل تری از فضای شهری را شامل می شود؛ این ابعاد عبارتند از بعد ریخت، بعد بصری، بعد اجتماعی، بعد ادراکی و بعد عملکردی.

رضاخان با تکیه بر امپراتوری انگلستان با استقرار حکومت خود که از ملزومات نفوذ و سلطه غرب در ایران بود، براساس شیوه غربی کشور را به سمت مدرن شدن سوق داد. معماری و شهرسازی ایران نیز از این دگرگونیها که بدون توجه به شرایط زندگی مردم صورت گرفت، مصون نماند. بنابراین دچار تغییر و تحولات بنیادین شد.

هرچند نقطه اصلی تحول در معماری و شهرسازی معاصر ایران در دوره قاجاریه پایه گذاری شد و شروع امر را آمد و شد هیأت حاکم به اروپا و آشنا شدن شاه و درباریان او با نوآوریهای معماری و شهرسازی اروپا می توان ذکر کرد؛ اما نقاط عطف این تغییر و تحولات به صورت جامع در دوره پهلوی اول به منصفه ظهور رسید. در این دوره روند تحولات شتاب ویژه گرفت، به گونه ای که می توان از دوره پهلوی اول به عنوان دوره پایه گذار معماری مدرن در ایران نام برد.

بررسی سیر اقدامات و سیاستگذاریهایی انجام شده در دوره پهلوی اول در زمینه معماری و شهرسازی نشانگر دگرگونی عمیق در روند تحولات معماری و شهرسازی در این دوره است که به دنبال خود تغییرات زیربنایی و اساسی در جامعه را نیز به همراه دارد.

در این دوره عوامل متعددی باعث ایجاد تحولات و دگرگونی و اساسی در معماری و شهرسازی شد. در واقع این تحولات با ایجاد تغییرات زیربنایی در روشهای سیستم اداری تمرکز فعالیتهای سیاسی، اداری و اقتصادی در شهرهای بزرگ آغاز شد. به دنبال آن رشد و انفجار جمعیت، گرایش به شهرنشینی و بورس بازی زمین، امکان گسترش آزادانه شهرها را در پی داشت. در این دوره افزایش تعداد قابل توجه اتومبیل، که وارد زندگی مردم شد. تعویض و احداث خیابان های جدید را به دنبال داشت. این امر تاثیر بسزایی در معماری و محیط شهری گذاشت.

ضد مذهبی بودن رژیم و هجوم فرهنگی غرب، گرایش به نظامهای اجتماعی غرب را در همه وجوه به همراه داشت. با شروع آموزش عالی و اعزام گروهی دانشجو به خارج، تحصیل در رشته های معماری و شهرسازی متأثر از غرب با الگوگیری از نظام آموزش غربی را در این دوره شاهد بودیم. همچنین گسترش ارتباطات خارجی و گروههای جدید اجتماعی، شکلهای جدیدی از الگوهای زیستی در معماری و شهرسازی را باعث شد. سرمایه گذارهای صنعتی و ایجاد صنایع مصرفی اولیه و به دنبال آن ورود مصالح جدید به بازار تغییرات اساسی در ساخت بنا و شهر را به همراه داشت.

به دنبال تحولات و دگرگونی های به وجود آمده در دوره پهلوی اول که بدون توجه به شرایط زندگی مردم صورت پذیرفت، معماری و شهرسازی نیز از این دگرگونیها مصون نمانده و دچار تغییر و تحول بنیادین شد. در این دوره عوامل متعددی باعث شدند که معماری دچار تحول و دگرگونی اساسی شود. این عوامل که از خاستگاه جهانی برخوردار بودند، به صورتی فراگیر بر تمام ابعاد زندگی مردم تاثیر گذشته و ارکان نظام زیستی را نیز دستخوش دگرگونی عمیق کردند. (بمانیان، ۱۳۸۵: ۳)

نتیجه گیری

خیابان سازی از مهمترین اصلاحات شهری در دوره پهلوی اول به شمار می رود که گرگان نیز از آن بی نصیب نماند. این اقدامات را در سالهای نخست حکومت رضاشاه از شهرهای بزرگ کشور آغاز کردند و در سالهای میانی دوره پهلوی اول در شهرهای کوچک و بزرگ ایران خیابان هایی ساختند. از سال ۱۳۰۸ شمسی برای احداث خیابان در گرگان تلاشهایی کردند که نخستین بار در سال ۱۳۱۴ شمسی با احداث خیابان پهلوی به نتیجه رسید. این خیابان امروزه به نام خیابان « امام خمینی » شناخته می شود. با توجه به اینکه در برهه زمانی تحقیق آن را با نام « پهلوی » می شناختند. همزمان با خیابان پهلوی و به فواصل زمانی مختلفی پس از آن، خیابانهای متعدد دیگری در شهر احداث شد. اما تا سالها رفت و آمدی در آنها صورت نمی گرفت. به مرور زمان خیابان پهلوی به مرکز شهر و یکی از مهمترین مکانهای آن تبدیل شد. این خیابان محملی شد برای وقوع رویدادهایی که بسیاری از آنها پیشتر در شهر سابقه نداشت.

دربین ساکنین شهر بندر ترکمن در چند دهه اخیر کاملاً در جهت همسویی باتحولات ملی بوده است و کمتر کسی از ترکمن ها را می توان یافت که از زندگی عشایری گذشته دفاع نماید و یا خواهان برگشت به آن شیوه زندگی باشد. در نتیجه می توان ادعا نمود که در جامعه عشایری ترکمن ها ، اسکان عشایر پدیده ای مثبت و دارای اثرات مفید برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم این خطه بوده است.

کتابنامه

الف- کتاب

- افاضلی، اکبر (۱۳۷۳)، **توشه ای از تاریخ گلبایگان و مردم آن**، تهران: ابجد.
- ارجمند، محمد (۱۳۸۵)، **شش سال در دربار پهلوی**، خاطرت محمد ارجمند سرپرست تلگراف خانه مخصوص رضاشاه، به کوشش عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: انتشارات پیکان.
- بیبی، سید محسن (۱۳۸۴)، **از نثار تا شهسار**، تهران، دانشگاه تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۳)، **شرح جریان های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر**، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- دفتر رئیس جمهور، «اسنادی از انجمن های بلدی، تجار و اصناف (۲۰-۱۳۰۰)»، (۱۳۸۰)، ج ۲، تهران، سازمان انتشارات و چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، **لغت نامه**، تهران (دوره جدید)، چاپ اول، ج ۹، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۹)، **روزنامه خاطرات عین السلطنه**، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر.
- شهری، جعفر (۱۳۶۹)، **تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم**، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- عبادی، موسی (۱۳۸۷)، **شهرداری عصر ناصری تا دولت خاتمی**، بی جا، نشر خرم.
- عاقلی، باقر (۱۳۶۹)، **روزشمار تاریخ ایران**، جلد اول، تهران، نشر گفتار.
- عطاری کرمانی، عباس (۱۳۸۶)، **تاریخ شهرهای ایران**، تهران، الیسم.
- معطوفی، اسدالله (۱۳۸۴)، **استرآباد و گرگان در بستر تاریخ**، مشهد، درخشش.
- مقصودلو، وکیل الدوله، (۱۳۶۳)، **مخابرات استرآباد**، ج ۱، تهران، نشر تاریخ ایران.
- محبوبی اردکانی، حسین، ۲۵۳۷ شاهنشاهی (۱۳۷۰)، **تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران**، تهران، دانشگاه تهران.
- معمودی، محسن (۱۳۸۵)، **جغرافیای تاریخی تهران**، تهران، نشر دانشگاهی.

مختاری، پاشالو (۱۲۸۶)، تاریخ هفتاد ساله پلیس ایران، تهران، چاپخانه ارتش.

یوشیج، نیما (۱۳۷۹)، دو سفرنامه، به اهتمام علی میر انصاری، تهران، سازمان اسناد ملی.

ب- مقاله

بیات، کاوه، «بلدیه نظامی، ۱۳۰۴-۱۳۰۰»، گنجینه، دفتر ۲، زمستان ۱۳۶۸.

خمسی، فرحزاد، «اسنادی پیرامون شهرداری طهران و تشکیلات آن: ۱۲۸۶-۱۳۱۵ شمسی»، گنجینه، ج ۱، دفتر ۲، زمستان ۱۳۶۸

نامرادنژاد، رحیم بردی، ۱۳۸۹، «تحولات اجتماعی ۵۰ سال اخیر در بین عشایر ترکمن (مطالعه موردی: بندر ترکمن)، مجله علمی تخصصی برنامه ریزی فضایی، صص ۶۰-۳۷.

ج- روزنامه ها

روزنامه اطلاعات (۱۳۰۷)، شماره ۳-۶۱۵-آبان، تهران، موسسه اطلاعات.

روزنامه اطلاعات (۱۳۰۶)، ۲۴ مهر، تهران، موسسه اطلاعات.

روزنامه اطلاعات: ۲۷ آبان ۱۳۰۶، ش ۳۸۰؛ ۷ خرداد ۱۳۰۷؛ ۱۰ فروردین ۱۳۰۸، ش ۷۲۹؛ ۲۸ مرداد ۱۳۰۷، ش ۵۵۸؛ ۲۸ تیر ۱۳۱۰، ش ۱۳۶۷؛ ۱۶ خرداد ۱۳۱۰، ش ۱۳۳۴.

روزنامه اطلاعات، سال ۱۰، ش ۲۳۸۸، سه شنبه ۲۵ دی ماه ۱۳۱۳.

روزنامه اطلاعات، سال ۱۱، ش ۲۸۳۸، پنج شنبه هیجدهم تیرماه ۱۳۱۵.

روزنامه اطلاعات، سال ۱۱، ش ۳۱۲۷، پنجشنبه هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۶.

روزنامه اخگر (۱۳۰۹/۸/۱۹)، س ۲، ش ۴۵۷.

اخگر (۱۳۰۹/۱۰/۸)، س ۲، ش ۴۵۸.

روزنامه اخگر، (۱۳۱۲/۵/۵)، سال ۵، ش ۸۶۳.

روزنامه ایران، ۱۳۰۲، ۱۳۰۴، ۱۳۱۷

شفق سرخ، سال ۴، شماره ۴۳۵، یک شنبه بیست اردیبهشت ماه ۱۳۰۴.

طوفان هفتگی، ۱۳۰۷.

معارف، ۱۳۱۴.

موسسه پژوهش و مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره بازیابی ۰-۳۳-۳۶-۱۱۴ الف.

موسسه پژوهش و مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره بازیابی ۰-۸-۶-۲۵۶ الف.

The effects of the first Pahlavi's actions on the course of social developments and changes in the municipality system in old Estarabad

Ahmad Sardarzadeh majd/ Rajabali Vosoghi motlagh/AmirAkbari

Abstract

Knowledge and awareness of the changes and transformations that occurred in the old Astarabad (currently Gorgan) is necessary for any planning for the changes that have occurred, because all the economic, social and cultural aspects of a society are linked with its population and structural features. In the upcoming research, after examining the information obtained from oral sources and supplementing it with other available sources, we will comprehensively understand the effects of Pahlavi's first measures with descriptive-analytical method. Based on the results of this research, the effects of the first Pahlavi's actions on the course of social developments and changes in the municipality system in the old Estrabad, including the cities of Gorgan and Bandar Turkmen. In written documents and sources, less attention has been paid to the mentality of people about the events around them. Therefore, oral sources play an important role in reaching the conclusion of this research. Therefore, one of the important measures in the first Pahlavi period was the construction of streets in small and large cities of Iran. The construction of Pahlavi Street in Gorgan city was the beginning of many physical and social developments in it; The events that the people of the city witnessed for the first time on this street and even the needs that the street brought to the city and responded to them, as well as the effectiveness of the nomad settlement policy and the removal of Turkmens from the country's nomadic community list, social development and... Is.

Keywords: first Pahlavi, Baladiyeh, Gorgan, Bandar Turkmen, the course of social developments.